

شورای امنیت و مداخله نظامی در لیبی: حمایت از غیر

نظامیان و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی

سیداحمد طباطبایی*

استادیار دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۵/۱۲)

چکیده

با اوج گرفتن قیام مردم لیبی علیه دولت این کشور در فوریه ۲۰۱۱، نیروهای امنیتی و نظامی لیبی با خشونت و با استفاده از سلاح‌های سنگین از جمله توپخانه و هواپیماهای جنگی به سرکوب مخالفان پرداخته و شهرهای تحت کنترل مبارزان آماج حملات نیروهای قذافی قرار گرفت. با گسترش تلفات انسانی مبارزان لیبی، برخی از کشورها و اتحادیه عرب از سازمان ملل درخواست نمودند تا اقدام لازم برای حمایت از مردم لیبی به عمل آورد.

شورای امنیت با تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۳ وضعیت لیبی را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته، بر اساس فصل هفتم منشور ضمن تأیید و تکمیل تحریم‌های مندرج در قطع‌نامه ۱۹۷۰، مداخله نظامی بشر دوستانه در حمایت از مردم لیبی را تجویز نمود. هم‌چنین برای ممانعت از حمله هوایی نیروهای نظامی به مبارزان، ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی تجویز گردید. در این مقاله ضمن تشریح مفاد قطع‌نامه ۱۹۷۳، ابعاد حقوقی اقدامات نظامی مصوب شورای امنیت از جمله بررسی مشروعیت این اقدامات با وجود اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، گستره عملیات نظامی و فرماندهی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

شورای امنیت، سازمان ملل، منطقه ممنوعه پروازی، توسل به زور، اصل عدم مداخله، لیبی.

مقدمه

با آغاز سال ۲۰۱۱ میلادی، انقلاب‌ها و اعتراض‌های گسترده مردمی، برخی از کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت. در شمال آفریقا پس از برکناری حاکمان کشورهای تونس و مصر از قدرت، مردم لیبی از پانزدهم فوریه با برگزاری تظاهرات گسترده خواستار سرنگونی حکومت ۴۲ ساله سرهنگ معمر قذافی شدند.^۱ در روزهای اولیه مردم موفق شدند کنترل بسیاری از شهرهای مهم لیبی از جمله بنغازی، مصراته، اجدابیه، زاویه، و سرت را به دست گیرند. متقابلاً نیروهای قذافی با استفاده از سلاح‌های گرم و حتی با سلاح‌های سنگین از قبیل تانک، توپخانه و هواپیماهای جنگی مواضع انقلابیون را هدف قرار دادند و هزاران نفر کشته و زخمی گردیدند.

اوج‌گیری خشونت نیروهای قذافی و وسعت فاجعه انسانی، واکنش جامعه بین‌المللی را در پی داشت. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل در نشست شورای امنیت گزارشی را از وضع لیبی ارائه نمود و بر لزوم اتخاذ اقدامات اجرایی و تحریم‌ها بر ضد لیبی تأکید نمود (گزارش جلسه شماره ۶۴۹۰ شورای امنیت^۲). شورای امنیت سازمان ملل در اولین اقدام خود با تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۰ با اتفاق آرا تصمیمات متعددی بر اساس ماده ۴۱ منشور بر ضد رژیم لیبی اتخاذ نمود.^۳ ابراهیم دباشی، نماینده لیبی در سازمان ملل نیز که در جلسه تصویب قطع‌نامه حضور داشت، ضمن حمایت از قیام مردمی، تصویب قطع‌نامه را به عنوان هشدار برای پایان بخشیدن به رژیم فاشیستی طرابلس دانست. وی از نیروهای نظامی خواست تا از مردم حمایت کنند (گزارش جلسه شماره ۶۴۹۱ شورای امنیت^۴). محورهای اصلی قطع‌نامه ۱۹۷۰ شورای امنیت شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. درخواست از دیوان کیفری بین‌المللی برای تحقیق نسبت به اقدامات قذافی از ۱۵ فوریه به بعد در سرکوب مردم لیبی (بندهای ۴ الی ۸):

۱. کشور لیبی در سال ۱۹۵۱ از استعمار ایتالیا به استقلال رسید. سرهنگ معمر قذافی در سال ۱۹۶۹ با کودتای

نظامی بر ضد رژیم پادشاهی ادريس به حکومت رسید.

2. S/PV. 6490 (25 February 2011)

3. SC Resolution 1970 (26 February 2011).

4. S/PV. 6491 (26 February 2011)

۲. تحریم تسلیحاتی^۱ لیبی (بندهای ۹ الی ۱۴)؛

۳. ممنوعیت سفر^۲ خارجی برخی از مقامات لیبی (بندهای ۱۵ و ۱۶)؛

۴. انستاد دارایی‌های^۳ افراد وابسته به نظام لیبی (بندهای ۱۷ الی ۲۱)؛

۵. تاسیس کمیته‌ای برای نظارت بر تحریم‌ها و اجرای قطع‌نامه (بندهای ۲۴ و ۲۵).

در پی درخواست شورای امنیت، آقای لویس مورنو اکامپو،^۴ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام نمود که تحقیقات در خصوص جرایم انجام یافته در سرکوب اعتراضات مردمی توسط معمر قذافی، برخی از فرزندان و وابستگان وی را با اتهام جرایم علیه بشریت آغاز نمود (بیانیه دادستان دیوان کیفری بین‌المللی^۵، ۳ مارس ۲۰۱۱).

با ادامه درگیری‌ها و پیشروی نیروهای دولتی به سوی شهرهای تحت کنترل مبارزان، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس و برخی دولت‌های دیگر اقدامات جدی سازمان ملل برای حمایت از مردم را خواستار شدند (قطع‌نامه شماره ۷۳۶۰ اتحادیه عرب)^۶. این درخواست‌ها به طور مشخص بر ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی متمرکز بود تا مانع حمله هواپیماهای جنگی لیبی به مردم گردد. مصطفی عبدالجلیل، رییس شورای ملی انتقالی^۷ لیبی، از جامعه بین‌المللی خواست تا هر چه سریعتر برای حمایت از شهروندان لیبیایی وارد عمل شود. وی گفت: تمام مناطق بنغازی در حال حاضر بمباران می‌شوند. جامعه بین‌المللی و جهانیان آزاده باید برای ممانعت از نسل‌کشی شهروندان وارد عمل شوند.

پس از رایزنی‌های فشرده، قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت^۸ در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ با ۱۰ رأی مثبت آمریکا، انگلیس، فرانسه، پرتغال، لبنان، کلمبیا، بوسنی هرزگوین، نیجریه، آفریقای جنوبی و گابن، و با ۵ رأی ممتنع چین، روسیه، آلمان، برزیل و هند به تصویب رسید. (گزارش جلسه

1. Arms embargo

2. Travel ban

3. Asset freeze

4. Luis Moreno-Ocampo

5. Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court

۶. قرار رقم: 7360 - د.غ.ع - 12 / 2011/3 مجلس جامعة الدول العربيه

7. Interim Transitional National Council (المجلس الوطني الانتقالي)

8. SPV 6498 (17 March 2011)

۶۴۹۸ شورای امنیت)^۱ قطع نامه با احراز این امر که ادامه وضعیت در لیبی صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، بر اساس فصل هفتم منشور تصمیمات متعددی را اتخاذ نمود. اقدام نظامی برای حمایت از غیر نظامیان، ایجاد منطقه ممنوعه پروازی^۲ و تحریم هوایی لیبی،^۳ تصمیمات اصلی شورای امنیت بود. قطع نامه هم‌چنین تحریم تسلیحاتی، انسداد داراییها و ممنوعیت سفر برخی از مقامات لیبی به خارج که در قطع نامه ۱۹۷۰ تصویب شده بود مورد تأکید قرار داد. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل تصویب قطع نامه ۱۹۷۳ و تجویز "توسل به تمامی اقدامات ضروری" برای حمایت از غیر نظامیان لیبی را اقدام تاریخی شورای امنیت دانست و اعلام نمود این اقدام پاسخ مثبت به درخواست جامعه بین‌المللی از شورای امنیت در ایفای مسولیت خود در حمایت از مردم در برابر خشونت دولتشان می‌باشد (بیانیه بان کی مون).^۴

دو روز بعد از تصویب قطع نامه، یعنی روز ۱۹ مارس نشست چند جانبه‌ای از روسا و مقامات اتحادیه اروپا، جامعه عرب، افریقا و وزیر خارجه آمریکا برای نمایش اتحاد جامعه بین‌المللی و گفتگو در خصوص هماهنگی‌های لازم برای اجرای قطع نامه در پاریس برگزار گردید.^۵ همزمان با نشست پاریس، هواپیماهای جنگی فرانسه اولین مأموریت جنگی خود بر فراز لیبی را آغاز نمودند. ساعاتی بعد پنتاگون اعلام نمود که آمریکا و انگلیس با شلیک ۱۱۰ موشک، اهداف نظامی از جمله دفاع ضد هوایی در لیبی را هدف قرار داده‌اند. در این مقاله ابعاد حقوقی تجویز توسل به زور از جمله توجیه مشروعیت اقدامات نظامی با وجود اصل عدم مداخله سازمان ملل در امور داخلی کشورها، گستره عملیات نظامی و فرماندهی عملیات مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

اصل عدم مداخله و اقدامات اجرایی قطع نامه ۱۹۷۳

اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها یکی از اصول مهم و کلاسیک حقوق

1. SPV 6498, 17 March 2011

2. No-fly zone

3. Ban on flights

4. UN Document: SG/SM/13454, 18 March 2011 (UN News Centre)

۵. در بیانیه ۱۹ مارس شورای ملی انتقالی لیبی ضمن استقبال از قطع‌نامه‌های شورای امنیت، از جامعه بین‌المللی

خواسته شده بود برای حمایت از مردم لیبی این قطع‌نامه‌ها را به اجرا بگذارند.

بین‌المللی می‌باشد که در منشور سازمان در خصوص فعالیت‌های سازمان ملل نیز انعکاس یافته است. بند ۷ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد:

هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند، لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

با این حال فراز اخیر بند ۷، استثنایی را بر اصل عدم مداخله سازمان ملل در امور داخلی کشورها بیان می‌کند و آن اقدامات اجرایی فصل هفتم منشور می‌باشد. ماده ۳۹ که نقش کلیدی داشته و فصل هفتم با آن شروع می‌شود، چنین مقرر می‌دارد:

شورای امنیت وجود هرگونه تهدید بر ضد صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

در واقع با احراز یکی از موارد سه گانه مذکور در ماده ۳۹، شورای امنیت می‌تواند بر اساس ماده ۴۱ به وضع تحریم‌های گسترده از جمله اقتصادی و تسلیحاتی بپردازد و یا بر اساس ماده ۴۲ به اقدامات نظامی متوسل شود. به عبارت دیگر، اقدامات شورا برای حفظ صلح و مقابله با تجاوز مداخله محسوب نمی‌شود. با توجه به این واقعیت که مرجع رسمی برای ارزیابی و کنترل تصمیمات شورای امنیت وجود ندارد؛ تشخیص و احراز وقوع تهدید صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز مذکور در ماده ۳۹ منشور به خود شورای امنیت واگذار شده است (ویلسون،^۱ ۲۰۰۷، صص ۲۹۷-۲۹۸). با این وجود صاحب نظران و حقوق‌دانان می‌توانند به بررسی و تحلیل تصمیمات شورای امنیت و تطابق آن با منشور و حقوق بین‌الملل بپردازند.^۲

در مواردی ممکن است با اینکه در عالم واقع صلح بین‌المللی نقض شده باشد، شورا بر اساس فصل هفتم اقدام اجرایی اتخاذ ننماید. نمونه بارز این مدعا عملکرد شورا در قبال تجاوز، جنگ افروزی و اشغالگری‌های رژیم اسرائیل در ۶۵ سال گذشته می‌باشد که به دلیل وتو یا عدم

1. Wilson

۲. جهت مطالعه بیشتر در خصوص اقدامات نظامی شورای امنیت مراجعه نمایید به مقاله

Gary Wilson, The Legal, Military and Political Consequences of the 'Coalition of the Willing' Approach to UN Military Enforcement Action, *Journal of Conflict & Security Law*, Oxford University Press, (2007), Vol. 12 No. 2, pp. 296-301.

تمایل اعضای دایم شورا حتی یک مورد تحریم علیه این رژیم تصویب نشده است. در مقابل ممکن است در مواردی که ارتباط مستقیمی با صلح بین‌المللی نداشته باشد و یا موضوع کم اهمیت‌تری باشد، شورا به اقدامات اجرایی مبادرت ورزد. به عنوان مثال در قضیه لاکربی در اثر انفجار و سقوط هواپیمایی مسافری آمریکا در سال ۱۹۸۸، شورای امنیت این اقدام را تهدید صلح بین‌المللی دانسته و تحریم‌های متعددی را از جمله تحریم‌های تسلیحاتی، مالی و هوایی بر ضد لیبی وضع نمود.^۱ یا در مورد وضعیت اخیر لیبی که اصولاً امر داخلی محسوب می‌گردد و در مقایسه با تحلفات و تجاوزهای اسرائیل خیلی کم اهمیت‌تر می‌باشد؛ شورا اقدام نظامی را تجویز نموده است.

به هر حال، در رویه دو دهه گذشته موارد متعددی وجود دارد که شورای امنیت در وضعیت‌هایی که امر داخلی کشورها محسوب می‌شدند، با ادعای تهدید صلح بین‌المللی شده و قطع‌نامه‌هایی را در اعمال تحریم‌ها و یا توسل به زور به تصویب رسانده است.^۲ شورای امنیت در بحران‌های داخلی کشورهای سومالی،^۳ رواندا،^۴ هاییتی^۵ و تیمور شرقی^۶ با احراز تهدید صلح بین‌المللی و بر اساس فصل هفتم منشور اتخاذ کلیه اقدامات لازم را تجویز نمود. این نوع مداخله نظامی بشر دوستانه شورای امنیت مورد تأیید برخی از حقوق‌دانان قرار گرفته است (اشمیت،^۷ ۲۰۱۱، ص ۴۸؛ ویلسون، ۲۰۰۷، صص ۲۹۹-۳۰۰). با این حال تأکید شده است که شورای امنیت باید نحوه کنترل عملیات را تعیین نموده و تصمیمات شورا در قطع‌نامه‌ها شفاف و بدون ابهام باشد (ویلسون، ۲۰۰۷، صص ۳۰۱-۳۰۹).

از نقطه نظر سیاسی، برخی از کشورهای عضو شورا ملاحظات و نگرانی‌های خود را در خصوص قطع‌نامه‌هایی که به نوعی به امور داخلی کشورها مربوط می‌شد ابراز نموده‌اند و این قطع‌نامه‌ها با کم‌ترین رأی به تصویب رسیده‌اند. به طور مثال در خصوص بحران کویت، ناشی

1. SC Resolutions 748 (31 March 1992) and Resolution 883 (11 November 1993).

۲. جهت مطالعه بیشتر این سوابق رک: رشیدی نژاد، زینب. موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی و هفتم، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۶۳.

3. SC Resolution 794 (3 December 1992), Paragraph 10.

4. SC Resolution 929 (22 June 1994), Paragraph 3.

5. SC Resolution 940 (31 July 1994), Paragraph 4.

6. SC Resolution 1272 (25 October 1999), Paragraph 4.

7. Schmitt

از اشغال این کشور توسط عراق در سال ۱۹۹۰ ده‌ها قطع‌نامه به تصویب رسید ولی قطع‌نامه ۶۸۸ شورا^۱ در خصوص محکومیت سرکوب مخالفان توسط رژیم عراق با ۱۰ رأی مثبت، ۲ رأی ممتنع چین و هند و ۳ رأی مخالف کوبا، یمن و زیمبابوه به تصویب رسید. قابل توجه است که با وجود عدم تجویز توسل به زور، قطع‌نامه کم‌ترین میزان رأی مثبت در مقایسه با دیگر قطع‌نامه‌ها را کسب نمود.

قطع‌نامه ۶۸۸ شورای امنیت ضمن محکوم نمودن سرکوب مردم عراق توسط رژیم صدام از کشورها در خواست ارایه کمک‌های بشر دوستانه نمود. کشورهای آمریکا و انگلیس با استناد به این قطع‌نامه منطقه ممنوعه پروازی در مناطق شمالی و جنوبی آسمان عراق ایجاد نمودند. چون در قطع‌نامه هیچ اشاره‌ای به اقدامات نظامی از جمله ایجاد منطقه ممنوعه پروازی نشده بود، صاحب نظران مشروعیت اقدامات کشورهای غربی را رد نموده و با مورد تردید قرار دادند (ویلسون، ۲۰۰۷، ص ۳۰۴؛ مالانزوک،^۲ ۱۹۹۱، ص ۱۲۹).

قطع‌نامه ۱۹۷۳ بر خلاف قطع‌نامه ۶۸۸ در خصوص عراق، با صراحت اقدام نظامی و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی را در جهت کمک به مردم لیبی تجویز نمود. اما این قطع‌نامه با وجود در خواست بخش قابل توجه جامعه بین‌المللی برای حمایت از مردم لیبی، با ۱۰ رأی مثبت و ۵ رأی ممتنع به تصویب رسید. پنج رأی ممتنع خود دلیلی بر مخالفت و یا تردید یک سوم اعضای شورای امنیت در تجویز توسل به زور می‌باشد. کشورهایی که رأی ممتنع دادند صراحتاً یا به طور ضمنی اعلام نمودند که موافق قطع‌نامه نیستند. کشورهای چین و روسیه نیز ضمن مخالفت با توسل به زور بیان نمودند که کشورشان نمی‌خواهد مانع تصویب قطع‌نامه شوند و به آن رأی ممتنع می‌دهند. نماینده چین اعلام نمود:

بحران جاری باید از طریق مسالمت آمیز حل شود. چین همواره مخالف توسل به زور می‌باشد، نمایندگی چین سؤالات متعددی را طرح نموده که بدون پاسخ مانده است. چین مشکل اساسی با قطع‌نامه دارد، در عین حال نمی‌خواهد مانع تصویب آن گردد (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت).^۳

نمایندگان اعضای شورا که رأی ممتنع داده بودند اشاره صریحی به اصل عدم مداخله

1. SC Resolution 688, 5 April 1991.

2. Malanczuk

3. SC Document: S/PV 6498, Security Council 6490th Meeting, 1724 March 2011

نداشتند و مخالفت خود را در قالب دیگر موضوعات طرح نمودند. چین، آفریقای جنوبی و هند با اقدام نظامی مخالفت نموده و بر اولویت داشتن تلاش‌های سیاسی تأکید نمودند. آلمان و روسیه در بر داشتن ریسک و احتمال تلفات انسانی بیش‌تر را در اثر اقدام نظامی بر ضد لیبی طرح نمودند (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت). به نظر می‌رسد اگر این کشورها به طور صریح به اصل عدم مداخله اشاره می‌نمودند، با توجه به بند ۷ ماده ۲ منشور بناچار باید رأی منفی می‌دادند. در نهایت باید اذعان داشت که هرچند قطع‌نامه ۱۹۷۳ از نظر حقوقی تعداد رأی لازم را کسب نمود، اما با وجود ۵ رأی ممتنع، قطع‌نامه از پایگاه سیاسی محکمی برخوردار نمی‌باشد؛ خصوصاً با این ملاحظه که برخی از کشورهای عضو شورا مخالف بودند ولی به خاطر جو عمومی و بین‌المللی و توقع از شورا برای مقابله با رژیم لیبی ناچار شدند به جای رأی منفی، رأی ممتنع بدهند. در مقابل نمایندگان انگلیس، لبنان و کلمبیا در شورای امنیت با حمایت از قطع‌نامه مدعی شدند که دولت لیبی مشروعیت خود را از دست داده است و خواستار حمایت از مردم لیبی شدند (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت).

علاوه بر اختلاف نظر سیاسی موجود در بین اعضای شورای امنیت و یا در بین دیگر کشورها در خصوص ایجاد منطقه ممنوعه پروازی؛ از بعد حقوقی نیز در بین حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد. به طور مثال، اشمیت صراحتاً مشروعیت اعمال منطقه ممنوعه پروازی در قطع‌نامه ۱۹۷۳ را مورد تأیید قرار می‌دهد (اشمیت، ۲۰۱۱، ص ۵۵). با این وجود، حقوق‌دانان دیگری ممکن است با تفسیر دیگری از بند ۷ ماده ۲، مشروعیت قطع‌نامه ۱۹۷۳ را مورد تردید قرار دهند.

اقدامات نظامی تجویز شده

قطع‌نامه در دو مورد اقدام نظامی را تجویز نموده است. مورد اول برای حمایت از غیر نظامیان و مورد دوم در جهت ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی. مورد دیگری وجود دارد که اقدام نظامی به صراحت تجویز نشده، بلکه شورا تضمین تحریم تسلیحاتی را از طریق محاصره دریایی خواستار شده است. تأکید اصلی مقاله بر دو مورد اول می‌باشد. و مسایل جانبی آن از قبیل دامنه عملیات و فرماندهی عملیات و نقش نهادهای منطقه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) حمایت از غیر نظامیان

کلیدی‌ترین و مهم‌ترین بخش قطع‌نامه مبحث مربوط به تجویز توسل به زور برای حمایت از غیر نظامیان می‌باشد. در این خصوص بند ۴ قطع‌نامه مقرر می‌دارد:

به کشورهای عضو... اجازه می‌دهد که کلیه اقدامات لازم را، با رعایت بند ۹ قطع‌نامه ۱۹۷۰، برای حمایت از غیر نظامیان و مناطق مسکونی غیر نظامی از جمله شهر بنغازی که زیر حمله نظامی یا در معرض تهدید حمله نظامی در جماهیر عربی لیبی هستند به عمل آورند. مشروط بر اینکه هیچ بخشی از سرزمین لیبی به هیچ شکل به اشغال نیروی خارجی در نیاید.

بررسی رویه شورای امنیت آشکار می‌سازد که در قطع‌نامه‌های شورا در قضایای قبلی از اصطلاح "توسل به زور"^۱ که در ماده ۴۲ منشور آمده است استفاده نشده است؛ بلکه عبارات اتخاذ "کلیه ابزارهای لازم"^۲ یا اتخاذ "کلیه اقدامات لازم"^۳ به کاررفته است. به طور مثال، در قطع‌نامه ۶۷۸ شورا^۴ در خصوص بحران کویت در سال ۱۹۹۰ عبارت "کلیه ابزارهای لازم" به کار رفته بود. در عمل اعضای شورای امنیت پذیرفته‌اند که عبارات جایگزین اخیر شامل توسل به زور نیز می‌باشد. بنابراین، بند ۴ قطع‌نامه ۱۹۷۳ با درج عبارت "کلیه اقدامات لازم" مجوز توسل به زور را صادر نموده است.

ب) ایجاد منطقه ممنوعه پروازی

منطقه ممنوعه پروازی قبل از لیبی فقط در منازعات قومی بالکان در سال ۱۹۹۳ توسط قطع‌نامه شماره ۸۱۶ شورای امنیت^۵ بر فراز بوسنی هرزگوین ایجاد گردید تا مانع پروازهای نیروهای صرب بر فراز بوسنی هرزگوین گردد. همانگونه که اشاره گردید، ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در عراق پس از شکست این کشور در جنگ با متحدان و قیام مردم عراق علیه رژیم صدام در سال ۱۹۹۱ توسط کشورهای غربی، خارج از مفاد قطع‌نامه ۶۸۸ بود و در این قطع‌نامه هیچ اشاره‌ای به اقدامات نظامی از جمله منطقه ممنوعه پروازی نشده بود.

هرچند تفسیر موسع بند ۴ قطع‌نامه در خصوص حمایت از غیر نظامیان، اعمال منطقه

1. Use of force
 2. All necessary means
 3. All necessary measures
 4. SC Resolution 678 (29 November 1990)
 5. SC Resolution 816 (March. 31, 1993).

ممنوعه پروازی را نیز قابل توجیه می‌نماید؛ با توجه به اهمیت موضوع و اینکه در خواست برخی از کشورها بر ایجاد این منطقه متمرکز بود، شورا بخش مستقلی را در قطع‌نامه (بندهای ۶ الی ۱۲) به این امر اختصاص داده است. بند ۶ اعلام می‌دارد که "در جهت حمایت از غیر نظامیان، شورا مصمم به ایجاد منطقه ممنوعه کلیه پروازها در آسمان لیبی می‌باشد."

قطع‌نامه، پروازهای صرفاً انسان‌دوستانه را از قبیل ارسال یا تسهیل ارسال کمک‌های غذایی، دارویی و انتقال متصدیان کمک‌های انسان‌دوستانه و مساعدت‌های مربوطه را استثنا می‌سازد. هم‌چنین پروازهایی که اتباع خارجی را از لیبی خارج می‌سازند و یا پروازهایی که دولت‌های عمل‌کننده ضروری می‌دانند از ممنوعیت استثنا شده‌اند (بند ۷ قطع‌نامه).

شورای امنیت از کشورها یا سازمان‌های مجری قطع‌نامه می‌خواهد که با اتخاذ کلیه اقدامات لازم ممنوعیت پروازی وضع شده در بندهای ۶ و ۷ قطع‌نامه را تضمین نمایند. شورا از کشورهایی که با اتحادیه عرب در این خصوص همکاری می‌کنند می‌خواهد که در اقداماتی که اتخاذ می‌نمایند از جمله در تأسیس مکانیسم مناسب برای اجرای بندهای ۶ و ۷ با دبیرکل هماهنگی نزدیک داشته باشند (بند ۸ قطع‌نامه). در نهایت بند ۹ قطع‌نامه از کلیه کشورهای عضو که به صورت انفرادی و یا از طریق نهادها و ترتیبات منطقه‌ای اقدام می‌کنند می‌خواهد که مساعدت‌های لازم از جمله موافقت با پروازهای مورد نیاز بر فراز سرزمین خود را برای اجرای بندهای ۴، ۶، ۷ و ۸ قطع‌نامه صادر نمایند.

مفهوم منطقه ممنوعه پروازی این است که هواپیماهای لیبی حق پرواز در آسمان لیبی را نخواهند داشت. در صورت نقض این ممنوعیت توسط لیبی، نیروهای ائتلاف مجاز به رهگیری و در صورت لزوم سرنگونی هواپیماها می‌باشد. برای تضمین امنیت پرواز هواپیماهای ائتلاف، پدافند هوایی لیبی نیز می‌تواند مورد حمله قرار گیرد. در قضیه منطقه ممنوعه پروازی در عراق نیروهای غربی متناوباً سایت‌های ضد هوایی عراق را مورد هدف قرار دادند.

بدیهی است که حقوق مخاصمات مسلحانه از جمله اصل تناسب و عدم حمله به مناطق و اهداف غیر نظامی در اعمال منطقه ممنوعه پروازی حاکم خواهد بود (اشمیت، ۲۰۱۱، ص ۵۵). به عبارت دیگر، کشورها و یا سازمان‌های مجری قطع‌نامه از جمله ناتو، موظف به رعایت حقوق جنگ خصوصاً قراردادهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل ضمیمه ۱۹۷۷ می‌باشند.^۱

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص ابعاد حقوقی منطقه ممنوعه پروازی رک: اشمیت صص ۵۸-۴۵)

دامنه عملیات

دامنه اقدامات نظامی به منظور کمک به غیرنظامیان یکی از چالش‌های قطع‌نامه می‌باشد. سؤالات متعددی در خصوص ابعاد و مصادیق حمایت از غیرنظامیان ذکر شده در بند ۴ وجود دارد. امکان حضور فیزیکی نیروهای خارجی در خاک لیبی، مسلح نمودن مبارزان لیبیایی و اینکه آیا سرنگونی قذافی می‌تواند بر اساس قطع‌نامه قابل توجیه باشد از جمله این سؤالات می‌باشد.

الف) سرنگونی قذافی

موضوع حساس در خصوص اهداف عملیات مسأله موجودیت رژیم قذافی می‌باشد. در قطع‌نامه اشاره‌ای به این موضوع نشده است و هدف اصلی اقدامات حمایت از مردم لیبی در برابر حملات نیروهای قذافی اعلام شده است. با تفسیر منطقی مفاد قطع‌نامه نمی‌توان سرنگونی مستقیم رژیم لیبی را توجیه نمود.

هرچند اکثر مقامات غربی اعلام نموده‌اند که هدف عملیات سرنگونی معمر قذافی نمی‌باشد، اما اظهاراتی وجود دارد که به طور ضمنی تمایل به این امر وجود دارد. اوپاما و کلیتون بعد از شروع عملیات اعلام نموده‌اند که قذافی باید برود. هیلاری کلیتون در نشست مطبوعاتی مشترک با وزیر خارجه ایتالیا اعلام نمود که قذافی مشروعیت خود را از دست داده و باید برود (سایت وزارت خارجه آمریکا). از طرفی اعلام شده که سرنگونی قذافی هدف عملیات نمی‌باشد. برای حل این تعارض می‌توان چنین تحلیل نمود که غرب تمایل به سرنگونی دارد، اما رسماً نمی‌خواهد اعلام نماید و تمایل دارد با حملات خود هم‌زمینه را برای پیشروی مخالفان فراهم نماید و از طرفی فشارهای ناشی از عملیات‌های نظامی، قذافی را وادار به واگذاری حکومت نماید. پیش‌بینی می‌گردد، اگر مخالفان موفق به تغییر رژیم نگردند، غرب یکی از دو گزینه را انتخاب نمایند؛ یا هدف عملیات را به سمت سرنگونی قذافی هدایت نمایند و یا به دنبال روش‌های سیاسی برای حل بحران باشند. به هر حال به موازات تهاجم نظامی ابتکارات سیاسی از جمله تلاش اتحادیه آفریقا و سفر رییس جمهوری آفریقای جنوبی به لیبی و ارائه نقشه راه برای حل بحران پیگیری می‌شود.

ب) مسلح نمودن انقلابیون

سؤال دیگر این است که آیا مسلح نمودن مبارزان بر ضد رژیم لیبی را می‌توان بر اساس

قطع‌نامه توجیه نمود و از مصادیق حمایت از مردم لیبی به شمار آورد؟ نیروهای ائتلاف از امکان مجهز نمودن مبارزان لیبیایی سخن گفته‌اند. اواما این احتمال را رد نکرده است؛ هرچند وزیر خارجه فرانسه این عمل را خارج از چارچوب قطع‌نامه دانسته و ناتو نیز با آن مخالفت نموده است. در حال حاضر در این خصوص بین کشورهای عضو ائتلاف اختلاف نظر وجود دارد، اما در آینده امکان تحقق این امر وجود دارد. در تحلیل حقوقی نمی‌توان با قاطعیت مسلح نمودن مبارزان را مغایر با قطع‌نامه دانست و تفسیر موسع بند ۴ می‌تواند این امر را توجیه نماید.

ج) حضور نیروهای خارجی در خاک لیبی

مبارزان لیبی و بسیاری از کشورها مخالف حضور نیروهای خارجی در لیبی می‌باشند. عدم حضور نیروها به صراحت در بند ۴ قطع‌نامه تأکید شده است. نماینده لبنان در جلسه شورای امنیت تأکید نمود که قطع‌نامه منجر به اشغال حتی یک اینچ از خاک لیبی نخواهد شد (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت). تجربه حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق در خصوص مشکلات عدیده و تلفات نیروهای آمریکا، عدم تمایل آمریکا به حضور فیزیکی در لیبی را حد اقل در مقطع کنونی توجیه می‌نماید. اواما اعلام نموده است که قصد ندارد نیروهای زمینی در لیبی مستقر نماید و از حالت دفاعی فراتر نخواهد رفت. اگرچه قطع‌نامه اشغال خاک لیبی را منع نموده، ولی آیا حضور کوتاه مدت نیروهای خارجی برای انجام مأموریت نظامی ضروری برای حمایت از مردم لیبی مصداق اشغال مذکور در قطع‌نامه می‌باشد؟

د) امکان برقراری آتش بس

یکی از ابهامات حایز اهمیت قطع‌نامه عدم شفاف سازی بین بند اول قطع‌نامه در خصوص درخواست ایجاد آتش بس و بندهای دیگر قطع‌نامه در خصوص حمایت از غیر نظامیان و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر لیبی قبل از شروع عملیات با استناد به بند اول قطع‌نامه آتش بس را می‌پذیرفت و اجرا می‌نمود، آیا اقدام نظامی مجاز بود؟ در مرحله بعد از شروع عملیات اگر رژیم لیبی درخواست آتش بس نماید، آیا باید پذیرفته شود و کدام نهاد باید در این خصوص تصمیم‌گیری نماید، شورای امنیت یا نیروهای ائتلاف؟ قبل از آغاز عملیات، موسی کوسا وزیر خارجه لیبی اعلام نمود که در راستای قطع‌نامه آتش بس را می‌پذیرد. در حاشیه نشست پاریس، در ۱۹ مارس، بان کی مون دبیر کل سازمان ملل اعلام نمود:

دیشب [شب قبل از شروع عملیات] نخست وزیر لیبی [بغدادی محمودی] در تماس تلفنی گفت که آنها کاملاً قطع‌نامه ۱۹۷۳ را می‌پذیرند. او از من درخواست نمود برای متوقف ساختن اقدام نظامی از جانب جامعه بین‌المللی مداخله نمایم. ... او در خواست نمود که تیمی برای نظارت بر آتش بس تشکیل گردد. ادعای لیبی باید راستی آزمایی گردد (سایت سازمان ملل).^۱

اخبار واصله حاکی از عدم پای بندی لیبی به این تعهد و اعلام بود و دبیر کل سازمان ملل نیز در صداقت لیبی بر آتش بس تردید نمود (مرکز خبری سازمان ملل ۱۹ مارس ۲۰۱۱). در این خصوص دو فرضیه قابل طرح می‌باشد. فرضیه اول این است که لیبی مصمم بود شهرهای مهم و مناطق نفتی را از کنترل انقلابیون خارج ساخته و بعد تن به آتش بس بدهد که این امر همزمان با آغاز عملیات شد. فرضیه دیگر این است که نیروهای ائتلاف تمایلی به برقراری آتش بس نداشتند و اهتمام جدی به درخواست لیبی از خود نشان ندادند. نقل قول اخیر از بان کی مون درخصوص مکالمه تلفنی نخست وزیر لیبی تا حدودی موید این فرضیه می‌باشد. هرچند اثبات این فرضیه به بررسی و تحقیق بیش‌تری نیاز دارد، اما در صورت اثبات آن، اقدام نظامی برضد لیبی ناقض قطع‌نامه تلقی می‌گردد.

در مقطع بعد از شروع عملیات اگر لیبی آتش بس را اعلام و واقعا پای‌بند باشد، آیا عملیات نظامی باید خاتمه پیدا کند؟ آیا شورا باید این امر را تأیید نماید یا کشورهای عمل‌کننده و ناتو مختار خواهند بود. پس از آغاز عملیات با توجه به تمایل لیبی به آتش‌بس^۲، شورای امنیت تشکیل جلسه داد اما تصمیمی اتخاذ نگردید. دبیر کل لیبی را متهم نمود که در آتش بس صادق نبوده است (گزارش جلسه شماره ۶۵۰۵ شورای امنیت^۳). این دیدگاه وجود دارد که حتی پس از اعلام آتش بس اعمال منطقه ممنوعه پروازی ممکن است تا زمانی‌که نیروهای متحد برای تضمین امنیت، غیرنظامیان ضروری می‌دانند؛ ادامه داشته باشد (اشمیت، ۲۰۱۱، ص ۵۷).

نقش نهادهای منطقه‌ای

در فصل هشتم منشور نقش ترتیبات منطقه‌ای در حل و فصل اختلافات بین‌المللی تبیین

1. <http://www.un.org/News/Press/docs/2011/sgsm13454.doc.htm>

۲. خالد الکعیم، معاون وزیر امور خارجه لیبی، در گفت‌وگو با رادیو انگلیس مدعی شد مسوولان لیبیایی دستور توقف عملیات را به نیروهای هوایی اعلام کردند و لیبی به آتش‌بس احترام می‌گذارد. وی تأکید نمود نیروهای هوایی لیبی به آتش‌بس احترام می‌گذارند و هیچ عملیاتی انجام نمی‌دهند.

3. S/PV. 6505 (24 March 2011)

گردیده است. ماده ۵۲ در این فصل به نقش قراردادهای یا موسسات منطقه‌ای در امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات منطقه‌ای باشد، تأکید می‌نماید. اما اتخاذ اقدامات اجرایی تحت فصل هفتم منشور از جمله توسل به زور باید با تفویض یا مجوز شورای امنیت باشد. بند اول ماده ۵۳ منشور مقرر می‌دارد:

شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادهای یا موسسات منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچ‌گونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط موسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت.

در راستای مقررات فصل هشتم منشور، شورای امنیت در اجرای اقدامات اتخاذ شده بر اساس فصل هفتم از جمله در قضیه لیبی به نقش موسسات منطقه‌ای توجه داشته است. درخواست شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب از شورای امنیت برای ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی در کسب حد نصاب لازم برای تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۳ بی‌تأثیر نبود. خانم کلینتون وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه مطبوعاتی پس از نشست پاریس، بیانیه‌های اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در درخواست از سازمان ملل در ایجاد منطقه ممنوعه پروازی را تاریخی خواند. (سایت وزارت خارجه آمریکا).^۱ یکی از ویژگی‌های قطع‌نامه تأکید بر نقش نهادهای منطقه‌ای خصوصاً اتحادیه عرب می‌باشد. شورای امنیت برای اولین بار در خصوص تجویز اقدام نظامی به صراحت جایگاه اتحادیه عرب در اجرای قطع‌نامه و مکانیسم گزارش عملیات را یادآوری می‌نماید. بند ۵ قطع‌نامه مقرر می‌دارد:

با اذعان به نقش مهم اتحادیه عرب در امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه، وبا یادآوری فصل هشتم منشور ملل متحد، از کشورهای عضو اتحادیه عرب درخواست می‌نماید در اجرای بند ۴ قطع‌نامه با دیگر کشورها همکاری نمایند.

علاوه بر نقش اتحادیه عرب در اجرای تصمیمات شورا، نقش‌های جانبی دیگری نیز در قطع‌نامه از جمله در نحوه اطلاع رسانی و هماهنگی سازی بین نیروهای عمل‌کننده پیش‌بینی گردیده است. در کلیه نشست‌های رسمی در خصوص لیبی اتحادیه عرب حضور فعال داشته است.^۲

1. <http://www.state.gov/secretary/rm/2011/03/158658.htm>

۲. عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب هم در نشست پاریس و هم در کنفرانس لندن در خصوص مسایل مربوط به لیبی شرکت نمود.

فرماندهی عملیات

یکی از چالش‌های اساسی عملیات نظامی نیروهای ائتلاف برضد لیبی چگونگی فرماندهی نظامی و هدایت سیاسی آن است. بر اساس منشور ملل متحد، اقدامات نظامی مذکور در ماده ۴۲ منشور می‌بایستی توسط نیروهایی که بر اساس ماده ۴۳ در اختیار شورای امنیت قرار می‌گرفت؛ تحت فرماندهی کمیته ستاد نظامی، متشکل از فرماندهان نظامی ۵ عضو دائم شورا، انجام می‌شد (ماده منشور ۴۷). به دلیل حاکم بودن جنگ سرد و عدم تفاهم اعضای دائم در خصوص ترتیبات فوق، شورای امنیت تاکنون به طور مستقیم مبادرت به اقدام نظامی نکرده است. رویه عملی شورای امنیت مکانیسم جدیدی را جایگزین ساخته است و آن تجویز اقدامات نظامی به کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی بوده است. به عبارت دیگر، در مواردی که شورای امنیت مجوز توسل به زور صادر نموده فرماندهی آن را به کمیته ستاد نظامی واگذار نموده است.

در سال ۱۹۵۰ در بحران کره، برای اولین بار شورای امنیت توسل به زور برضد کره شمالی را تجویز نمود (قطع‌نامه ۸۳)^۱ و از کشورهایی که برای کمک به کره جنوبی نیرو ارسال نموده بودند، درخواست کرد که آنها را تحت فرماندهی واحدهای نظامی آمریکا قرار دهند (قطع‌نامه ۸۳).^۲ ژنرال مک آرتور آمریکایی این عملیات را فرماندهی نمود. در بحران کویت ناشی از اشغال این کشور توسط عراق در سال ۱۹۹۰، فرماندهی عملیات در قطع‌نامه ۶۷۸^۳ مشخص نبود، اما در عمل ژنرال شوارتسکوف آمریکایی فرماندهی عملیات را بر عهده داشت.

قطع‌نامه ۱۹۷۳ در خصوص حمایت از مردم لیبی و ایجاد منطقه ممنوعه پروازی نیز، فقط به مساعدت و همکاری کشورها و هماهنگی‌های لازم اشاره نموده و فرماندهی عملیات را مسکوت گذاشته است. یکی از ایرادات نمایندگان چین و روسیه در شورای امنیت همین امر بود که سؤالات متعددی در خصوص قطع‌نامه بی پاسخ مانده است. روسیه اعلام نمود که: "مشخص نیست اقدامات نظامی چگونه و توسط چه کسی باید اجرا شود و محدودیت‌های عمل چه خواهد بود". نماینده هند نیز اعلام نمود "قطع‌نامه از شفافیت لازم برخوردار نیست، از جمله این که چه کسی مجری قطع‌نامه خواهد بود". (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت). در

1. SC Resolution 83 (27 June 1950).

2. SC Resolution 84 (7 July 1950).

3. SC Resolution 678 (29 November 1990).

مقابل با توجه به اهمیت زمان در تصویب قطع‌نامه کشورهای حامی اولویت را به اصل تصویب داده و مسایل جانبی را به بعد موکول نمودند. آلن ژوپه^۱ وزیر خارجه فرانسه در نشست شورای امنیت اعلام نمود که فرصت زیادی باقی نمانده است و روز و یا حتی ساعت در تصویب قطع‌نامه موضوعیت دارد (گزارش جلسه ۶۴۹۸ شورای امنیت).

در قضیه لیبی کشورهای درگیر جنگ در نشست‌های متعددی مسایل مربوط به لیبی و نحوه اجرای قطع‌نامه را مورد بررسی قرار دادند. جلسات ناتو در بروکسل ۳ و ۴ فروردین به دلیل اختلاف نظر در خصوص دخالت ناتو ناکام ماند؛ سپس اعلام شد که ناتو فقط رهبری نظامی در خصوص اعمال منطقه ممنوعه پروازی را به عهده خواهد گرفت. در نهایت در تاریخ ۲۷ مارس دبیر کل ناتو به طور رسمی اعلام نمود که ناتو فرماندهی کلیه اقدامات نظامی تجویز شده در قطع‌نامه را به عهده می‌گیرد (وب سایت ناتو).^۲ جلسه راهبردی در ۲۹ مارس ۲۰۱۱ در لندن با شرکت وزرای خارجه و نمایندگان حدود ۴۰ کشور برای هماهنگی بیش‌تر منظور تشکیل گردید.^۳

در نهایت، باید بین فرماندهی نظامی و رهبری سیاسی قایل به تفکیک شد. با موافقت ناتو فرماندهی عملیات نظامی روشن گردید اما مرجع هدایت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی اقدامات هنوز مشخص نمی‌باشد. به عبارت دیگر، اینکه دامنه عملیات، اهداف مورد نظر برای حمله و زمان آتش بس را چه مقامی باید تعیین نماید مشخص نمی‌باشد.

نتیجه

تصویب قطع‌نامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در خصوص اتخاذ اقدامات اجرایی تحت فصل ۷ منشور، از جمله اقدام نظامی در وضعیت داخلی لیبی، نقطه عطف مهمی در تاریخ شورای امنیت محسوب می‌گردد. قطع‌نامه در دو محور توسل به زور را تجویز نمود. یکی در جهت حمایت از مردم لیبی و دیگری برای ایجاد منطقه ممنوعه پروازی.

1. Alain Juppe

2. http://www.nato.int/cps/en/SID-5EF9529B-5F26105E/natolive/news_71808.htm?Mode=pressrelease

۳. در این کنفرانس نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و

سازمان وحدت آفریقا شرکت داشتند. جهت اطلاع بیش‌تر از این کنفرانس رک به سایت وزارت خارجه انگلیس:

<http://www.fco.gov.uk/en/global-issues/mena/libya/london-conference-on-libya/>

از نگاه حقوقی، مساله اساسی ارزیابی مشروعیت اقدام شورا در لیبی و مرزبندی بین اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها (بند ۷ ماده ۲ منشور) و اقدامات اجرایی شورای امنیت در خصوص حفظ صلح و امنیت بین المللی (فصل هفتم منشور) می باشد. به عبارت دیگر سؤال اساسی این است که آیا اقدام شورای امنیت با اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها مغایرت ندارد؟ با توجه به این واقعیت که در ساختار جامعه بین المللی مرجع رسمی برای ارزیابی تصمیمات شورا وجود ندارد، تصمیم گیری در خصوص مشروعیت قطع نامه ۱۹۷۳ به دیدگاه های فردی حقوقدانان واگذار می گردد که اشتراک نظر را نمی توان در آنها یافت. از دیدگاه سیاسی نیز در خصوص مداخله شورای امنیت در لیبی بین اعضای شورای امنیت اختلاف وجود داشت. پنج رای ممتنع به قطع نامه ۱۹۷۳ از جمله روسیه و چین، منعکس کننده این اختلاف بود.

علاوه بر مشروعیت قطع نامه، ملاحظات حقوقی متعددی قابل طرح می باشد. در خصوص گستره عملیات نظامی، قطعنامه علاوه بر ایجاد منطقه ممنوعه پروازی، با عبارت پردازی خاص خود در خصوص حمایت از غیرنظامیان، تفسیر موسع برای اقدامات نظامی را بازگذاشته است و به طور ضمنی مصادیق متعددی را شامل می شود. به طور مثال، اقدامات نظامی برای حمله به نیروهای زمینی قذافی و مسلح نمودن انقلابیون نیز می تواند در راستای اهداف قطع نامه قابل توجه باشد. با این وجود، عملیات برای سرنگونی رژیم قذافی را نمی توان مطابق قطع نامه دانست. نکته دیگر، عدم تعیین رهبری سیاسی بحران و فرماندهی نظامی در قطعنامه می باشد. در عمل اختلافاتی در خصوص نقش ناتو وجود داشت که در نهایت این سازمان، فرماندهی عملیات را پذیرفت اما هدایت سیاسی عملیات ونحوه اتخاذ تصمیم مناسب با توجه به تحولات و شرایط حاکم بر بحران درای ابهام می باشد. به طور مثال، چگونگی ایجاد موازنه بین راه حل های نظامی و سیاسی و زمان و مقام تصمیم گیری در خصوص ایجاد احتمالی آتش بس به وضوح مشخص نمی باشد.

قطعنامه ۱۹۷۳ از جمله موارد نادری است که در خصوص نا آرامی های داخلی، شورای امنیت توسل به زور را تجویز می نماید. اهمیت این قطع نامه در این است که رویه جدیدی شکل می گیرد و در آینده در صورت اجماع نسبی اعضای شورای امنیت، راه برای مداخله در امور داخلی کشورها هموار می گردد. در نگاه اول، اقدامات شورای امنیت ممکن است مورد استقبال بخشی از افکار عمومی قرار بگیرد، اما از پیامدهای منفی احتمالی آن نباید غافل گردید.

امکان سوء استفاده از این رویه وجود دارد. کشورهای غربی صاحب نفوذ در شورای امنیت در آینده ممکن است تصمیمات مشابهی در بحرانهای داخلی کشورهای بی که رابطه دوستانه ای با آنها ندارند اتخاذ نمایند در حالیکه این بحران ها تهدید کننده واقعی صلح بین المللی نباشند. ملاحظه دیگر به مخاطره افتادن زندگی غیر نظامیان می باشد. با بررسی اقدامات نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان و پاکستان در بی توجهی به حفظ جان غیر نظامیان، امکان تکرار این تجربه تلخ در لیبی نیز وجود دارد.

موضوع حقوقی مهم دیگر ارزیابی عملیات نظامی ناتو و دیگر کشورها در پرتو مقررات قطع نامه ۱۹۷۳ می باشد و اطمینان از اینکه آیا عملیات انجام شده مطابق قطع نامه بوده است؟ پاسخ به این سوال نیاز به مطالعه و تحقیق مستقلی دارد و در این مقاله بررسی نشده است.

ضمیمه: روز شمار وقایع لیبی سال ۲۰۱۱

۱۵ فوریه ۲۰۱۱: آغاز قیام مردم لیبی بر علیه رژیم حاکم

۲۵ فوریه: اولین نشست شورای امنیت در خصوص لیبی

۲۶ فوریه: تصویب قطع نامه ۱۹۷۰ شورای امنیت مبنی بر تحریم های تسلیحاتی، انسداد داراییها و ممنوعیت سفر برخی از مقامات لیبی به خارج و ارجاع اقدامات رژیم قذافی در سرکوب مخالفان به دیوان کیفری بین المللی

۳ مارس: دیوان کیفری بین المللی، تحقیقات در خصوص جرایم انجام یافته در سرکوب اعتراضات مردمی توسط معمر قذافی، برخی از فرزندان و وابستگان وی را با اتهام جرایم برضد بشریت آغاز نمود

۱۲ مارس: درخواست اتحادیه عرب از شورای امنیت سازمان ملل بر ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز لیبی

۱۷ مارس: تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ و تجویز توسل به زور و اعمال منطقه ممنوعه پروازی در لیبی در جهت حمایت از غیر نظامیان

۱۹ مارس: نشست پاریس با حضور کشورهای لیبی که عمدتاً موافقت خود را در شرکت در عملیات بر علیه لیبی اعلام نموده بودند.

آغاز عملیات هوایی فرانسه و موشکی توسط آمریکا بر علیه لیبی

۲۷ مارس: اعلام ناتو مبنی بر پذیرش فرماندهی عملیات نظامی در لیبی بر اساس قطع نامه ۱۹۷۳

- ۲۹ مارس: جلسه راهبردی لندن با شرکت وزرای خارجه و نمایندگان حدود ۴۰ کشور برای هماهنگی بیش تر در خصوص بحران لیبی
- مارس: سفر رییس جمهور آفریقای جنوبی به لیبی و ارایه نقشه راه برای حل بحران
- ۱۳ آوریل: نشست گروه تماس در دوحه قطر با شرکت دولت ها و سازمان های بین المللی و نماینده شورای انتقالی لیبی.
- ۱۴ آوریل: نشست قاهره در خصوص لیبی با حضور بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، کاترین آشتون، مسؤل سیاست خارجی اتحادیه اروپا، جان پینگ، رییس کمیسیون اتحادیه آفریقا، اکمل الدین احسان اوغلو، دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و عمرو موسی، دبیر کل اتحادیه عرب برگزار شد.
- ۱۵ آوریل: نشست دو روزه وزیران خارجه کشورهای عضو ناتو در شهر برلین پیرامون جنگ در لیبی

منابع و مأخذ

۱. رشیدی نژاد، زینب (۱۳۸۶)، "موازن و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت"، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.
2. Wilson, Gary, (2007), "The Legal, Military and Political Consequences of the 'Coalition of the Willing' Approach to UN Military Enforcement Action", Journal of Conflict & Security Law, Oxford University Press, (2007), Vol. 12 No. 2, pp. 295-330.
3. Schmitt, Michael N., (2011), "Wings over Libya: The No-Fly Zone in Legal Perspective", The Yale Journal of International Law Online, Vol. 36, pp. 45-58.
4. Malanczuk, Peter, (1991), "The Kurdish Crisis and Allied Intervention in the Aftermath of the Second Gulf War", European Journal of International Law, pp. 114-133.
5. Remarks With Italian Foreign Minister Franco Frattini After Their Meeting, Hillary R. Clinton, Secretary of State, Washington, DC, April 6, 2011, (<http://www.state.gov/secretary/rm/2011/04/160085.htm>)
6. Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, on the opening of the investigation in to the situation in Libya, The Hague, 3 March 2011.
7. Statement by NATO Secretary General, (2011), "Anders Fogh Rasmussen, on Libya", Press Release (2011) 036 (NATO Website)
8. United Nations Charter
9. Security Council Resolution 83 (27 June 1950).
10. Security Council Resolution 84 (7 July 1950).
11. Security Council Resolution 678 (29 November 1990).
12. Security Council Resolution 688 (5 April 1991).
13. Security Council Resolutions 748 (31 March 1992).
14. Security Council Resolution 794 (3 December 1992)
15. Security Council Resolution 816 (31 March, 1993).
16. Security Council Resolution 883 (11 November 1993).
17. Security Council Resolution 929 (22 June 1994)
18. Security Council Resolution 940 (31 July 1994)
19. Security Council Resolution 1272 (25 October 1999)
20. Security Council Resolution 1738 (23 December 2006).
21. Security Council Resolution 1970 (26 February 2011).
22. Security Council Resolution 1973 (17 March 2011).
23. UN Document: S/PV 6490, 25 February 2011
24. UN Document: S/PV 6491, 26 February 2011
25. UN Document: S/PV 6498, 17 March 2011
26. UN Document: S/PV 6505, 24 March 2011
27. UN Document: S/PV 6509, 4 April 2011
28. SG/SM/13454, SC/10201, AFR/2144 18 March 2011 (UN News Centre)
29. Secretary-General's remarks to meeting on Libya, Paris March 2011, 19, Secretary-General Office of the Spokesperson, (UN Website)
30. <http://www.un.org>
31. <http://www.state.gov>

32. <http://ntclibya.org/>
33. <http://www.icc-cpi.int>
34. <http://www.fco.gov.uk/en>
35. <http://www.nato.int/>